



فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه
« اقتصاد مصرف »
(مجلس صبح پنجشنبه، اول دی ماه سال ۱۳۹۰)



خبری، تحلیلی، فرهنگی / سال اول - دی ۹۰



* سال نو میلادی و ولادت با سعادت حضرت عیسی مسیح مبارک *

انتقال وکلا و مدیران سایت
مجذوبان نور به بند ۳۵۰ زندان اوین



مصاحبه با
دکتر بیژن بیدآباد
(قسمت اول)



{ بازداشت یک درویش گنابادی در تهران } { آزادی دو تن از درویش گنابادی }
{ مرگ دو رهبر، بی هیچ شباهتی به هم } { گروهی از مسیحیان اهواز در آستانه کریسمس بازداشت شدند }
{ پیام مهدی کربوبی از حبس: می خواهند انتخاباتی فرمایشی و دستوری ترتیب دهند }
{ بازخوانی هشت دوره انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی }

بِسْمِ اللَّهِ

مسیح متولد شد، مسیح متولد شد.

با همین جمله بود که وقتی منجمین زرتشتی دو هزار و یازده سال پیش در همین روزها ستاره ایی را در آسمان دیدند و تولد پیامبری را مژده دادند.

پیامبری که طیب بود، و از همان زمان که در شکم مادری باکره بود و از آن زمان که در آغوش مادر شهادت به یگانگی خداوند داد، ذهن تنگ اندیش آدمی را به نوش داروی حیرت و شگفتی شفا داد.

طیب بود، نه فقط آن زمان که بر مردم کوی و بازار می گذشت چشم سر شفا می داد طیب بود برای چشمهایی که از دل می گشود، از زن و مرد و گنهکار و بی گنه را با نگاهی شیفته ی خود می ساخت و می آموخت که دین و معنویت را نمی توان تنها در مستی احکام فرمول کرد و در سطور کتاب جای داد.

و طیب بود، طیبی فرای زمان، در آن زمان که عروج کرد، چه با شباهت به حسین استنصار کرد و یاری طلبید و یارانی قلیل یافت. و در مقابل باطلی که دین خوانده می شد سر فرود نیاورد و جانانه در راه محبوب از جان گذشت. و به راستی عیسی زنده است چرا که :

"ان الحیاه عقیده و جهاد"



خبرنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی مجذوبان نور
در زمینه حقوق بشر، علوم انسانی و علوم اجتماعی
سال اول / شماره چهارم / دی ماه ۱۳۹۰

فرمایشات

• فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه
« اقتصاد مصرف »

گفتگو

• مصاحبه با دکتر بیژن بیدآباد (قسمت اول)

اخبار درویش

• انتقال و کلا و مدیران سایت مجذوبان نور به بند ۳۵۰

زندان اوین

• بازداشت یک درویش گنابادی در تهران

• آزادی دو تن از درویش گنابادی

مقاله

• مرگ دو رهبر، بی هیچ شباهتی به هم

• بازخوانی هشت دوره انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی

حقوق بشر

• ممانعت نیروهای امنیتی از بازسازی زیارت گاه اهل حق

• گروهی از مسیحیان اهواز در آستانه کریسمس

بازداشت شدند

اخبار

• پیام مهدی کروی از حبس: می خواهند انتخاباتی

فرمایشی و دستوری ترتیب دهند

امروزه مشکلات و معضلات زندگی روزمره به شکل چشمگیری در حال افزایش است ، به نحوی که یک شهروند ایرانی علاوه بر معضلات سیاسی و نقض حقوق مسلم بشری توسط حاکمیت ، با مشکلات شدید اقتصادی و فرهنگی نیز درگیر می‌باشد .
جامعه امروز علاوه بر بحران جهانی اقتصاد که مردم سراسر جهان از آن رنج می‌برند با مشکلات اقتصادی و مالی مضاعفی با وجود گذشت یکسال از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها دست و پنجه نرم می‌کند .

اکنون با اذعان به وجود تمام این معضلات و بن بست‌ی که جامعه امروز به آن رسیده ، نقش یک درویش یا به عبارتی دیگر نقش عرفان برای ارائه راه برون رفت از این وضعیت چیست ؟ آیا می‌توان از عرفان انتظار ورود به مسائل اجتماعی ، اقتصادی و معضلات روز جامعه را داشت ؟ شنیده‌ایم که برخی درویشی و تصوف را گوشه نشینی و انزوا می‌دانند و در حل مشکلات و معضلات یک جامعه جایی برای حضور یک درویش قائل نیستند . آیا این دیدگاه با توجه به نقش عرفان در زندگی در طول قرنهای متمادی صحیح و قابل اعتناست ؟
در این شماره از خبرنامه مجذوبان نور علاوه بر انتشار آخرین اخبار از وضعیت درویش گنابادی و نقض حقوق بشر و اشاره به مسائل روز جامعه ، برای درک بهتر نقش درویشی و عرفان در ورود به معضلات و مشکلات جامعه و بررسی جهان بینی عرفان و گستره‌ی آن در زندگی بشری با دکتر بیدآباد به گفتگو پرداخته‌ایم.

مجذوبان نور



مصاحبه با دکتر بیژن بیدآباد (قسمت اول)

کلمه اسلام کلمه‌ایی نیست که حضرت محمد (ص) در ۱۴ قرن پیش ابداع فرموده باشند بلکه اسلام به معنی تسلیم امر ولی خدا شدن است و در همه ازمه بوده و هست و خواهد بود. همانطور که قرآن کریم اسلام را به حضرت ابراهیم در نزدیک به ۴۰ قرن پیش انتساب می‌نماید و می‌فرماید: کان ابراهیم حنیفا مسلما یعنی ابراهیم مسلمان پاکی بود. از لحاظ کلی دعوائی که بین ادیان بر سر نام است منبعث از افرادیست که فروع دین را اساس دین می‌شمارند نه کسانی که به دنبال اصول دین هستند. در فروع، در هر زمان و مکانی تفاوت‌هایی به حسب شرایط مکانی و زمانی وجود دارد و این موضوع منبعث از تصمیمات پیامبران و اولیا خدا در زمان خود است که شرایط احکام را با وضعیت زمان منطبق می‌فرمایند و در صورت لزوم آنها را تغییر می‌دهند. اشاره به این موضوع از این بابت بود که توجه کنیم که عرفان اسلامی متفاوت از عرفان در سایر ادیان نیست زیرا عرفان و تصوف معنا و مفهوم دین است که از زمان حضرت آدم تا حضرت خاتم و تا انقراض عالم یکی بوده، هست و خواهد بود. کهن است ولی کهنگی در آن راه ندارد.

حوزه دین و عرفان که از نظر عده‌ای تنها حوزه عبادت و بندگی است با حوزه اقتصاد که حوزه سود و پول و منفعت مادی است چطور مرتبط می‌شود؟

پاسخ به سوال شما نیاز به یک مقدمه دارد و آن نگرش جهان بینی اجتماعی عرفان اسلامی است. جهان بینی به این مفهوم است که نگرش اصلی انسان نسبت به حقیقت خلقت خود و موجودات دیگر چگونه باید باشد. این معنویت که نام آن عرفان و تصوف است از کلیه متونی که انبیای سلف برای ما به یادگار گذاشته‌اند و همچنین فرمایشات اولیای الهی قابل استنباط و برداشت است. به آیه کریمه قرآن اشاره کنیم که

بیژن بیدآباد، مردی که در ۱۵ سالگی دیپلم ریاضی می‌گیرد. لیسانس علوم سیاسی دانشگاه تهران دارد و مدرک دکترای اقتصاد. این تنوع را در جای جای زندگی او می‌توان دید. از کتابخانه دفتر کارش گرفته که از هر نوع کتابی در آن بود تا کتب و مقالاتی فراوانی که خودش منتشر کرده. مشاغل مختلفی داشته، از اجرایی بگیر تا تدریس دانشگاه و مشاوره در بانک مرکزی تا وزارت اقتصاد و دارایی و ریاست جمهوری و مجلس که در همه آنها با وجود سوابق عالی به علت درویشی برکنار شده. او مبتکر طرح‌های مهمی مثل بانکداری راستین و بزرگترین الگوی اقتصادسنجی کشور است که ایران را به پروژه لینک سازمان ملل متصل کرده است و بی اغراق از بزرگترین اقتصاددانان کشور است. وقتی به عنوان اولین سوال معمول از او خواستیم که از خودش و سوابقش بگویند، گفت: من هیچ چیز قابل گفتنی از خودم ندارم.

آقای دکتر با توجه به این که شما هم درویش هستید و هم در حوزه تخصصی خودتون صاحب نظرید. به نظر شما عرفان تا کجا توانسته در حوزه‌های تخصصی اجتماعی وارد شود. اصلا این قابلیت وجود دارد؟ یا به عبارت دیگر با توجه به قدمت دیرینه تعالیم آن، آیا در حوزه‌های مختلف دنیای امروز (مثلا اقتصاد که حوزه تخصصی شماست) تاثیرگذار هست؟

افرادی که در زمینه مسائل اجتماعی تعمق و تحقیق دارند بر این موضوع مقرر هستند که عرفان و تصوف اسلامی پدیده‌ایی نیست که از ۱۴ قرن پیش به وجود آمده باشد، به این معنی که معنویت اساسا سابقه تاریخی از زمان خلقت بشر دارد و وقتی که بشر به کمالاتی رسید که منجر به مبعوث شدن حضرت آدم گردید، عرفان و تصوف اسلامی نیز ظاهر شد،



تشریح نبی بعد قرار گرفت زیرا هر نبی تربیت شده نبی قبل بوده حتی تا آنجا که برای مثال برخی احکام عرب جاهلیت که منطبق با عقل بود مورد امضای رسول اکرم (ص) نیز قرار گرفت. مثلاً احکام حج که رویه بت پرستان بود و یا احکام نظافت نظیر غسل جنابت از رویه کفار بوده که حضرت رسول چون عقلاً آن را پذیرفتند آنها را به عنوان احکام شرع مقرر فرمودند. یعنی رسول خدا (ص) برحسب زمان با نگاه عرفانی یعنی شناختی که بر مسائل داشتند به عمق مسائل فردی و اجتماعی توجه فرموده و آنها را امضا یا تاسیس فرمودند. پس تشریح مستلزم نگاهی «شناختی» به مسائل بوده و واژه شناخت ترجمه واژه فارسی عرفان است. مسائل را مدنظر قرار می دادند و پس از درک ضرورت آن را امضا یا تاسیس یا رد می کردند یا تغییر می دادند. نگاه عرفان به سایر مسائل اجتماعی نیز چنین است یعنی شناخت نسبت به مسائل و یافتن بهترین راه حل آنها. در واقع عارف در هر مرتبه ای که باشد چه در ابتدای سلوک و چه در مقام محدثی و چه مقام نبوت یا انبیا چه مقام ولایت و چه مقام امامت و یا در مقام خلت بسته به حیطه ای که جامعه از او تاثیر می پذیرد نسبت به اصلاح جامعه خود اقدام می کند.

پس طبق فرمایش شما، عرفان با دید جامع و جهان بینی وسیعی که دارد به سالکینش می آموزد که چطور مسائل را چه در حوزه فردی و چه اجتماعی حل کنند. این مورد از نظر شما درست است؟

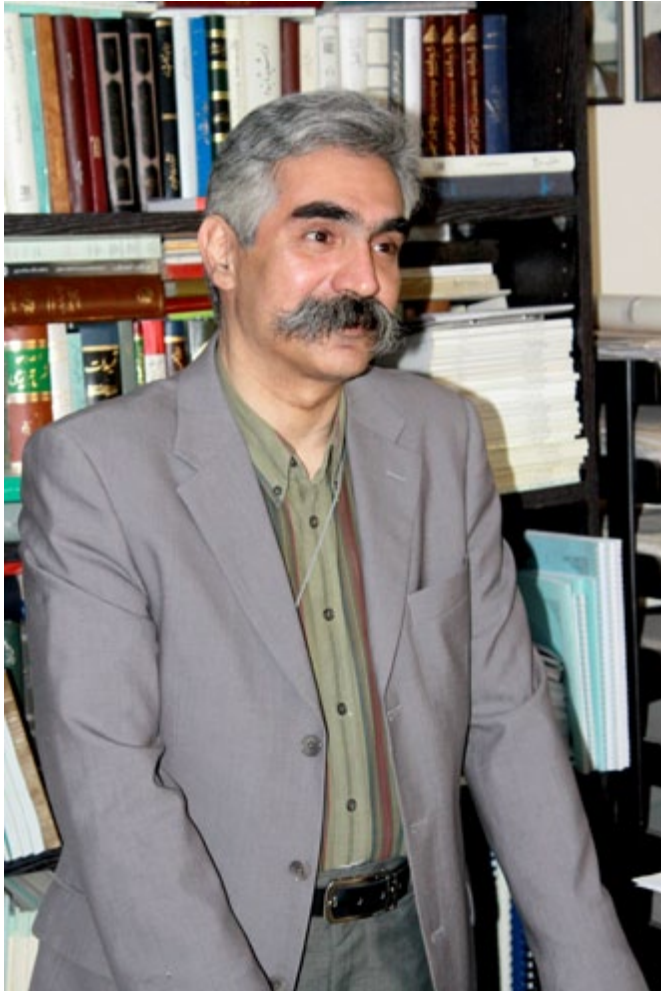
بله. کسی نمی تواند منکر آثار عرفا در مقامات مذکور در تاریخ بشر باشد. تاثیر آنها در شکل گیری احکام و شرایع به وضوح در تاریخ حیات بشر در این سیاره مشهود است. برخی که تبعشان کمتر است گمان کردند که احکام شرع قواعد خشک و لا یتغیر است که از حیطه ی روابط اجتماعی افراد جداست و بخش فرعیات دین است که فقط متشرعین سعی به حفظ آن دارند و تشریح انبیاء و اولیاء الهی پدیده ای هنه و غیرمدرن است. از دیدگاه عرفان چون این احکام توسط انبیای الهی صادر شده است بسیار پرمحتوا و عمیق است. به این معنی که انبیا و اولیا و اوصیا الهی که همه دارای مدارجی از نگرش و جهان بینی عرفانی بوده اند با توجه به شرایط مکان و زمان خود و استعداد خلق دستوراتی را برای تنظیم روابط آنها صادر فرموده اند. این شخصیت ها یعنی انبیاء و اولیاء الهی همواره متفکرترین و عاقلترین و صالحترین افراد روی زمین بوده و هستند و لذا تشریح آنان بهترین شیوه برای زندگی بشر است. مضاف بر این برخلاف آنچه که عامه خیال می کنند درویشی و عرفان و تصوف، گوشه گیری و عزلت نیست. هر چند گاهی در مراحل از سلوک برای تربیت سالک به وی دستور عزلت می فرمایند. برای مثال حضرت رسول (ص) قبل از این

می فرماید: «له الملک» یعنی پادشاهی از آن اوست. این مفهوم از لحاظ تحلیل جهانی بینی کلی در نگاه افراد بشر به این شکل قابل توضیح است که مالکیت تمام عالم متعلق به کسی است که آن را خلق کرده. اگر از این موضوع قدری فراتر رویم به این مفهوم می رسیم که آنچه در ید تمام انسانها قرار دارد امانت است، چون مالک آنها خداوند است و این مالکیت به صورت موقت و اعتباری در دست ما امانت می باشد. قدمی پیشتر طرح این سوال است که آیا خیانت در امانت جایز است؟ که عقلاً پاسخ این سوال منفی است. یعنی هیچ فردی از موجودات هستی حق ندارد در امانتی که در اختیار اوست خیانت نماید. همین چند جمله کافی است که مبنای نگرش بشر را از دیدگاه جهان بینی اسلامی به کلیه مسائل جامعه خود مشخص کند. یعنی ما وظیفه داریم اماناتی که در اختیار داریم را به گونه ای حفظ، پرستاری و پذیرایی کنیم که مورد پسند مالک حقیقی آن یعنی خداوند باشد. نتیجتاً آن کس که این نگاه را دریابد یعنی با توجه به معنای آیه فوق تا این حد از درک برسد وظیفه ای متفاوت از سایر افراد در جامعه خود دارد. این نگاه چیزی است که عرفان و تصوف به پیروان خود تعلیم می فرماید و دستوری که از ابتدا به همه سلاک می آموزد مبتنی بر شفقت به خلق است. شفقت به خلق از شروط ایمانی و یکی از مبنای تعلیماتی در راه سلوک است. شفقت به خلق، معنی گسترده ای دارد، از حفظ جمادات، آب دادن یک گیاه و نوازش کردن یک حیوان شروع می شود و تا تعالی کلی جوامع انسانی امتداد می یابد.

پس به نظر شما عرفان حوزه های مادی زندگی را هم فرا می گیرد؟

بله. نه تنها فرا می گیرد بلکه فراتر را هم نگاه می کند. نگرش اندیشمندان اجتماعی در ازمنه مختلف همه بر این مبنا بوده که انسان چگونه رفتار کند تا منافع خود را حداکثر نماید و یا اینکه چگونه رفتار کند که بهترین شرایط برای راحتی و خوشی و خوشگذرانی او فراهم شود. نگاه عرفان به این موضوع بسیار فراتر از نگاه اندیشمندان علوم اجتماعی است. در عرفان آموزه ها بر مبنای تفکر تعلیم داده می شود. مریبان الهی به سالک می آموزند که چگونه باید رفتار کند که علیرغم آسایش و راحتی تک تک افراد، شرایط اجتماعی آنها نیز بهبود یابد و از سوی دیگر با تاکید و توجه به معنویات و اخلاقیات هم در این عالم و به تبع در عالم پس از مرگ افراد در آسایش معنوی قرار گیرند.

همانطور که مشخص شد وجه تمایز نگاه عرفان به مسائل انسانی و اجتماعی با اندیشمندان علوم انسانی در این است که عارف حسب آیه ذکر شده عالم را ملک او دیده و مانند بنده ای که قصد دارد منافع ارباب خود را حداکثر نماید به گونه ای رفتار می کند که ملک ارباب خود در بهترین وضعیت باشد. از این رو اگر دقت کنیم عرفا در همه ازمنه حتی قبل از اسلام که به نام های دیگری از آنان اسم برده می شد همین رویه را داشتند. کلیه انبیا و اولیاء الهی همه عرفایی بودند که تمام اصلاحات جامعه بر دوش آنها بود و کلیه شرایع ادیان مختلف را برای اصلاح جامعه آوردند. منظور از شرایع احکامی هستند که انبیا دستور می فرمودند تا روابط افراد را در ارتباط با خدای خویش و در ارتباط با سایر افراد جامعه منظم نمایند. اگر در حکمت احکام دقت نماییم به وضوح این مساله را درک خواهیم کرد. خود قرآن کریم علاوه بر اینکه بخش اعظم احکام تورات را با خود دارد، روابط افراد جامعه در آن زمان را منظم فرموده و فقط درصد کمی از احکام اصطلاحاً تاسیسی هستند و قسمت اعظم احکام امضایی می باشند. یعنی دستورات انبیا سلف مبنای قانونگذاری و



بیشتر توضیح بدید.

خیلی واضح است. علت آن تربیت سلاک بر مبنای تفکر و عقل است. به درویش از ابتدا می‌آموزند که با تفکر قوای فکری خود را متمرکز کند تا عقل خود را تقویت و نیت خود را اصلاح نماید. لذا در هر مرحله از سلوک که باشد بهتر از دیگران می‌تواند فکر کند و مسائل جامعه را دریابد زیرا با انجام دستورات سلوک مدارجی از عقل را پیموده. و اساس بر عقل است و عقل است که می‌تواند جامعه را اصلاح نماید و گرنه جهل، جوامعی همانند انسان‌های اولیه خواهد ساخت. ظهور حضرت آدم (ع) اولین ظهور عقل است و از آن زمان تاریخ بشر مدون شد و گرنه قبل از آن انسان‌های اولیه همانند حیوانات در همین سیاره مشغول زندگی بودند و از آن زمان که حضرت آدم (ع) به نبوت مبعوث گردید، عنصر عقل عامل تربیت انسانها و اصلاح جوامع گردید.

با توجه به این موارد اگر به مساله جهان بینی اجتماعی عرفان اسلامی بازگردیم به این نتیجه می‌رسیم که اولاً وظیفه هر درویش اصلاح جامعه به نحوه احسن است که شامل خود و دیگران می‌شود که همه ملک اویند. ثانیاً نگاه جهان بینی اجتماعی عرفان اسلامی با توجه به درجه‌ی عقلی که همواره برای سالک در مسیر تربیت او حاصل می‌شود، در جهت شناخت مسائل و معضلات فردی و جامعه و ارائه راه حل برای آن است. چون سالک در طی مسیر تربیتی خود بهتر از سایر افراد جامعه به تسویلات نفس و علقه‌های مادی در این جهان پی می‌برد و لذا بهتر از دیگر اندیشمندان می‌تواند معضلات جامعه را درک و راه حل آنان را بیابد.

که مستقیماً به وجود مبارکشان وحی برسد به دستور حضرت برده در غار حرا چله نشینی می‌فرمودند و عزلت می‌گزیدند ولی پس از آن که مبعوث شدند مشخصاً وظیفه اصلاح جامعه را به عهده گرفتند. یعنی درویشی و عرفان و تصوف به مصداق آیه شریفه انسان را خلیفه خود بر روی زمین قرار می‌دهد که وظیفه دارد به نمایندگی از خالق خود و مالک این عالم منویات ولی و ارباب خود را در عالم اطراف خود به میزان وسعتی که تاثیرپذیر است اعمال و جامعه اطراف خود را اصلاح نماید.

از لحاظ تربیتی نیز این موضوع در شیوه تربیت سالکین واضح است. در ابتدای سلوک در همه طریقت‌های عرفانی در همه ادیان به سلاک دستوراتی داده می‌شود که همه منطبق با عرایض فوق است. به این شکل که به آنان تعلیم می‌فرمایند که در ابتدا تعظیم اوامر و نواهی الهی نمایند و آنها را اجرا کنند. زیرا آنچه اولیای خدا به آن دستور فرموده بهترین چیزی است که می‌توان به آن رفتار کرد و این هم به این دلیل است که اولیای الهی و پیامبران اعقل و صالح‌اندیش‌ترین افراد روی زمین هستند. از سالک شرط می‌گیرند که با خلق او به شققت رفتار نماید یعنی بداند هر چه در این عالم است متعلق به اوست و لذا به متعلقات او توجه و احترام نماید. به سلاک تعلیم می‌دهند که چگونه از خودیت خود ایثار و به خدمت دیگران کمر همت ببندد. به ایشان می‌آموزند که چگونه ذهن پریشان خود را به سمت مبدا متمرکز کنند تا قوای فکری و ذهنی آنها تقویت شده و بهتر بتوانند به مرحله شناخت نزدیک شوند. وقتی شناخت حاصل شود پس منطبق با آن بهتر می‌تواند به خود و جامعه خود خدمت نماید.

پس کسی که در این مکتب تربیت شود فردی خواهد بود که نه تنها به خود خدمت کرده بلکه می‌تواند جامعه خود را نیز به سمت صلاح حرکت دهد. از همین بابت است که معصوم (ع) می‌فرماید که همه این عالم متعلق به امام است و فقط مومنین مجاز به استفاده از نعمات آن هستند. معنی این فرمایش امام (ع) این است که دیگران بدون رضایت مالک اصلی که خداوند است در اموال الهی غصب می‌کنند یعنی از آنها فقط به نفع خود استفاده می‌کنند و نه در جهت منافع جامعه. منظور نظر ایشان این است که باید همه از این مواهب و نعم الهی به نفع دیگر خلق بهره برند زیر خلق عائله خدا هستند. یعنی ساز و کاری برگیرند که که هم خود و هم دیگران در جهت آنچه خداوند میل دارد منتفع شده و تکامل یابند. جایگاه درویش، عارف و صوفی در همین راستاست. لذا از این سو باید عرض کرد که درویش عالم و خودش را متعلق به خدای خود می‌داند و در زمانی که با نماینده او بیعت کرده تعهد نموده که اختیار و اراده خود را در شروط بیعت به او واگذار نماید و به این شکل رفتار می‌کند که همه عالم متعلق به اوست یعنی مثل یک پدر مهربان نسبت به همه فرزندانش همه خلق او را متعلق به خدای خود می‌داند و برای کسب رضایت خدای خود با خلق او در نهایت مهربانی و صلح و اصلاح و در جهت مصلحت خلق رفتار می‌نماید. در این حالت عمل وی منبعت از این تفکر است که چگونه رفتار کنم که همه موجودات که متعلق به خدای تعالی هستند از رفتارم منتفع شوند و هر کس به میزان استعدادش قدمی در جهت کمال بردارد. در مسائل اجتماعی این موضوع بسیار وسیع است و حتی باید گفت که قدم‌های بلند حتی تشریح قوانین اجتماع نیز وظیفه درویش و عارف و صوفی است.

دقیقا چرا؟ یعنی دلایل شما در مورد اینکه گفتید درویش و صوفی می‌تواند از عهده تشریح قوانین اجتماعی برآید را



فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه

« اقتصاد مصرف »

(مجلس صبح پنجشنبه، اول دی ماه سال ۱۳۹۰)

دنیای طبیعی که ما جزء آن هستیم قبض و بسط دارد، قبض یعنی این طوری این قبض می‌شود این هم بسط، همین حالت در همه چیزها است. حتی بعضی از متفلسفین که می‌گویند ایجاد حیات هم به واسطه قبض و بسط است. قبض و بسط‌های مفصلی شده است کار نداریم، ما که در محیط طبیعت هستیم در محیط قبض و بسط به قول آن آقا اصلاً وجودش هم قبض و بسط است، بنابراین باید بدانیم که در همه چیزها یک قبض و بسطی است بعد می‌آییم نگاه می‌کنیم به زندگی‌مان، می‌گوییم بله در بانک‌ها هم قبض و بسط هست، حالا با رعایت مصالح است یا مصالح از روی این‌ها تشکیل می‌شود؟ همیشه قبض و بسط است یک روزگاری خیلی راحتیم و یک روزگاری نه. همین وضعیت در مورد معاش هم است در مورد آب و هوای طبیعت و محصول کشاورزی هم است یک سالی خیلی مفصل بارندگی می‌شود و میوه خیلی ارزان است و یک سالی دیگر با وجود اینکه همه‌ی این چیزها بوده و میوه فراوان است بخاطر اینکه مثلاً گمرک فلان مشکل را دارد گران است فراوان هم نیست، همین طور همه رقم قبض و بسط‌های متفاوت طبیعی و آب و هوایی هست. یک چیز عمده زندگی این قبض و بسطی است که خود ما کردیم در خود بدن هم دیدید که ما خودمان یک قبض و بسط‌هایی داریم، در جامعه هم همین طور قبض و بسط داریم که اسمش را بحران اقتصادی گذاشتند. قاعدتاً بحران وقتی که از قبض به بسط یا از بسط به قبض برسیم بیشتر ایجاد می‌شود. در تمام دنیا بحران اقتصادی هست حالا ایران را من نمی‌گویم همه جای دنیا هست ایران هم جزوش است. می‌گوییم بیکار فراوان است این بیکار قبلاً چیکار می‌کرده؟ یک قطعه زمین داشته در فلان ده شخم می‌زده محصول در میاورده حالا به هم ریخته آنجا دیگه نه کسی را دارد نه برادری دارد نه پسری و نه فرزندی، محصولش به عمل نمی‌آید. پسرش را هم بردند همان پسری که شخم می‌زد به پدر کمک می‌کرد و محصول زیادتر می‌شد و بعد خودش هم، معمولاً زارعین محصول خوب را برای فروش می‌برند محصولی که اگر یک ذره بماند دیگر به کلی خراب می‌شود برای خودشان مصرف می‌کنند. حالا برعکس همان آقایی که تا دیروز شخم می‌زد زحمت می‌کشید، زحمت نمی‌کشد. مثلاً اگر در مجموع خریده‌هایی که پدرش فراهم می‌کرد یک خریده زحمت این بود آن یک خریده ایجاد نمی‌شود، اگر در مجموع خریده‌های او یک دانه خریده‌ای که کمی لک شده بود سهم او می‌شد که می‌خورد حالا اینها اینجا نیست، سهمش چه می‌شود، یک خریده‌ی سالمی که خودش باید از همان شخص بخرد کارمندانی که تولید می‌کنند کم می‌شود و آنهایی که مصرف می‌کنند زیاد می‌شود، این بحران می‌شود.

حالا که این طور شده پس من و شما باید بدانیم که آقا، تولید ما کم شده اگر تا دیروز در نهار فرض کنید این قدر سیر می‌شدید که می‌افتادید از بی‌حالی دو تا پرتقال می‌خوردید دسر، حالا محصول کم شده یک دانه پرتقال باید بخورید اگر سی لقمه می‌خوردید حالا باید بیست لقمه بخورید، ما اینها را نمی‌دانیم داد و بیدادمان بلند می‌شود، البته هزار گرفتاری ناراحتی و فسادهای اجتماعی در آن دخالت می‌کند و آن را شدیدتر می‌کند، مثل اینکه ذره بین می‌گذارند ولی اجرش آن بحران است اما ما اقلای کاری که می‌توانیم بکنیم این ذره بین را از جلوی اینها برداریم ذره بین را از

جلوی مشکلات برداریم، همان عینک ما معمولا ذره بینی است این ذره بینی را که روی مشکلات گذاشتیم برداریم و روی چشممان بگذاریم که بهتر ببینیم این است که اولین جواب شخصی برای بحران، اقتصاد شخصی است، یعنی خودمان صرفه جویی کنیم اما آن اشخاصی که بخصوص جوان هایی که تازه نوجوان هستند یک جور دیگر عادت کردند نمی شود این طور عادت کنند.

به این منظور خداوند گفته است که به طرق مختلف که نعمت خدا را چه کم و چه زیاد، مثلا غذایی که می آورند ظهر ما بخوریم اگر نان و پنیر باشد همین یک ذره نانی که باشد همه اش نعمت خداست این نان بزرگی هم که اینجاست و من می خورم این هم نعمت خداست، نه اینکه بگوییم این کوچک است و نعمت خدا نیست این هم نعمت خداست، نعمت خدا را باید محترم بدانیم. به چه کسی بدهیم؟ به جانداري بدهید که خدا گفته است (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...) (سوره: الاسراء آیه: ۷۰) غذا و نعمت محترم را به مهمان محترم خدا، بدهید در خاک نریزید این است که در عرف ایران اسلامی این اواخر ولی خود ایران از زمان حضرت زرتشت بوده اسلام هم البته وقتی می فرماید (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) یعنی آنچه از اخلاق موجود بوده من کاملش می کنم پیغمبر فرمود (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) چیزی که آقایانی که همه اش توجه می کنیم (قولو لا الا الله) که حتی بعضیها حصر را معنی کرده اند یعنی من فقط برای این مبعوث شدم حالا ما فقط، نگوییم ولی این طوری بگوییم که فرمود من مبعوث شدم نعمت مکارم اخلاقی را کامل کنم.

این است که منتهی اینجا یک غول خوش ظاهری به مبارزه این می آید من یادم می آید زمان سابق اعتراض می کردند این قدر واردات واردات واردات، رژیم سابق گفته بود که بله ما وارد می کنیم، داریم دارندگی برزندگی، ما داریم لازم نیست خودمان زحمت بکشیم وارد می کنیم دیگران زحمت بکشند و ما می خوریم بله. نه از نظر خداوند روزی بنده چه روزی بندگان خاص خدا باشد مانند پیغمبر ما مانند ائمه و چه روزی خبیث ترین مردم دنیا باشد) که به قول خود مسلمین یکی آن کسی که آن ناقه صالح را کشت و یکی هم آن کسی که علی (ع) را به شهادت رساند) روزی هر دوی این ها را خدا به گردن گرفته آن مثلی هم که در فارسی ایجاد شده و در ایران هست، می گویند نان کسی را نمی بریم. یعنی روزی که خداوند متعهد شده به این ها برساند من جلوی آن را نمی گیرم، البته تا می خواهند یک خورده رعایت کنیم می گویند این گدا بازی ها چیست؟ بارها خود من دیدم مثلا در مجلس خیلی بزرگ و عمومی که از رجال هم حضور داشتند، بشقاب خودم را با قطعه نانی تمیز کردم و نان را خوردم بعد صحبت کردم البته می دانستم که می گوید، چرا این هدر برود؟ نعمت خدا نباید هدر برود این چربی و ته مانده ای که در بشقاب هست نعمت خداست، نباید هدر برود من یک لقمه کمتر بخورم این لقمه را بخورم. چند سال پیش در یک سخنرانی من این حرف را گفتم در آخر سخنرانی بعد یکی آمد و گفت آقا شما بهتر است در همان مسائل سیاسی صحبت کنید و اقتصادی حرف نزنید، اینها نفس همان غول اقتصاد مصرف که بود همه این ها چنان فراری شدند که لغت اقتصاد مصرف تا می گوییم می گویند حرف نزنید من درویش هستم و به اینها کار ندارم نه! همه جای دنیا مال درویش است همه ی دوز و کلک هایی که در دنیا می زنند درویش باید حل کند و جلویش را بگیرد و می تواند و خواهد کرد. انشاءالله.



انتقال وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور به بند ۳۵۰ زندان اوین



وکلا و درویش گنابادی و مدیران سایت مجذوبان نور صبح امروز از بند امنیتی زندان اوین به بند ۳۵۰ همین زندان منتقل شدند.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ رضا انتصاری، حمید مرادی، امید بهروزی، افشین کرمپور، امیر اسلامی، مصطفی دانشجو و فرشید یداللهی و کلا و مدیران سایت مجذوبان نور پس از گذشت بیش از سه ماه حبس در بند امنیتی زندان اوین صبح امروز ۲۹ آذر ماه به بند ۳۵۰ همین زندان منتقل شدند.

در ادامه این گزارش آمده است تاکنون وکلای این درویش زندانی از حق دخالت در پرونده محروم بوده و مراجع قضایی پاسخگوی اتهامات و دلایل بازداشت ایشان نیستند. علاوه بر این، در مدت سه ماه گذشته این ۷ درویش از حق ملاقات حضوری با خانواده خود محروم بوده‌اند.

یادآوری می‌شود این درویش گنابادی در اواخر تابستان سال جاری با آغاز دور تازه‌ای از فشارها و بازداشت درویش گنابادی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت شده و به سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ امنیتی زندان اوین منتقل شدند. فشار بر این درویش زندانی و شرایط نامطلوب نگهداری ایشان در این مدت به نحوی بود که منجر به رو به وخامت نهادن وضعیت جسمی چند تن از ایشان شد که از میان می‌توان به شدت یافتن بیماری قلبی آقایان امیر اسلامی و حمید مرادی و انتقال ایشان به بهداری زندان اوین اشاره کرد.

بازداشت یک درویش گنابادی در تهران

نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت و یکی از درویش گنابادی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.



به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت و یکی از درویش گنابادی ظهر سه شنبه ۲۹ آذر ماه توسط نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قانونی و قضایی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

گفتنی است، نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حمله به منزل شخصی و محل کار ایشان علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی، وسایل شخصی ایشان را نیز ضبط کرده‌اند.

این درویش گنابادی و مدیر انتشارات حقیقت، از مدتی پیش در ادامه فشار بر درویش گنابادی از سوی نیروهای امنیتی به اداره اطلاعات احضار تلفنی شده بود.

یادآور می‌شود بازداشت و آزار و اذیت درویش گنابادی از اواخر تابستان سال جاری با موجی از بازداشت‌های گسترده و ضرب و شتم درویش در شهرستان کوار و شهرهای تهران و شیراز آغاز شد، که در ادامه این فشارها و بازداشت‌ها یکی از درویش گنابادی به شهادت رسید و ده‌ها تن از ایشان بازداشت شدند.

ممانعت نیروهای امنیتی از بازسازی زیارت گاه اهل حق

گروهی از پیروان آئین یاری (اهل حق) که قصد بازسازی زیارتگاه تخریب شده سید فرخ واقع در جلالوند کرمانشاه را داشتند با ممانعت نیروهای امنیتی مواجه شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از کرمانشاه، این عده که با هزینه شخصی خود قصد بازسازی این زیارتگاه را داشتند با جلوگیری نیروهای امنیتی مواجه شده‌اند. زیارتگاه سید فرخ در روستای خوباران جلالوند در ۷۰ کیلومتری جنوب کرمانشاه قرار دارد که توسط نیروهای حکومتی در تابستان امسال بصورت کامل تخریب شد.

آزادی دو تن از درویش گنابادی

درویش گنابادی ساکن کوار روز گذشته با قید قرارهای کفالت و وثیقه به صورت موقت آزاد شدند.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ مهرداد کشاورز و علی‌جان دهقان دو تن از درویش گنابادی ساکن کوار هستند که روز گذشته ۲۲ آذرماه با تودیع قرارهای کفالت و وثیقه به صورت موقت آزاد شدند. مهرداد کشاورز که در تاریخ ۳ آبان‌ماه توسط نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قانونی بازداشت شده بود با تودیع وثیقه ۵۰ میلیون تومانی و در همین حال علی‌جان دهقان که در تاریخ ۱۹ آبان‌ماه با یورش نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده بود با قرار کفالت آزاد شدند.

یادآور می‌شود که در ماه گذشته شهرستان کوار در ادامه فشارها و بازداشت‌ها بر درویش گنابادی ساکن منطقه شاهد موجی از بازداشت و آزار اذیت ایشان بود که منجر به بازداشت ۵ درویش گنابادی و تفتیش و بازرسی منازل ده‌ها تن از درویش منطقه شد.

و تاکنون حتی اجازه آوار برداری تخریب‌های صورت گرفته نیز به اهالی منطقه داده نشده است.

منطقه جلالوند دارای حدود ۶۰ روستا است که اکثر پیرو دین یاری هستند و حکومت با جلوگیری از برگزاری آیین‌های مذهبی سعی در شیعه کردن مردم این مناطق دارد. بر اساس گزارشات رسیده اعمال فشار بر پیروان آئین یاری افزایش چشمگیری یافته است و هفته گذشته نیز سید میرزا حسینی از پیروان آئین یاری به اداره اطلاعات احضار و تهدید شده است که نباید مراسم مذهبی در جمخانه روستای «ده موسی» به جای آورد.

را از حفظ دارند. هنر بزرگ کیم در حکمرانی ساخت بمب هسته ای، و موشک هائی بود که به نام کره شمالی ثبت شده است. مردم کره شمالی در دوران حکومت کیم ایل و فرزندش کیم جونگ گرسنگی کشیدند و آزادی ندیدند، مردم چک به رهبری واسلاو هاول به آزادی رسیدند و از زیر قید شوروی خارج شدند و کمک کردند به آزادی اروپای شرقی و فروریختن بلوک شرق، و اینک هفده سال است که هر سال زندگی بهتری دارند و رشدشان به حد کشورهای پیشرفته نزدیک شده است. به همان تعداد سال هائی که کیم جونگ ایل حکم راند.

بعد از خروج واسلاو هاول از کاخ ریاست جمهوری پراگ، او به ساختن فیلم و نوشتن نمایشنامه برگشت. آن همه آوازه که در دوران پرخبر و پرحادثه سیاست ورزی کسب کرد هیچ تغییری در سادگی وی نداد. او روشنفکری بود که به گفته خودش یک چند لازم دید وارد عمل سیاسی شود و بعد به کار اصلی خود ادبیات برگشت.

اما کیم از اولین روزی که به دنیا آمد، پشت دیوارها حزب کمونیست و پشت درهای بسته کاخ بود و در همین وضعیت در حالی که ماه ها با بیماری جانکاهش دست و پنجه نرم می کرد، با یک سطر اعلامیه حزب درگذشت. همه چیز در ابهام. درست مقابل چک که هیچ چیز آن پوشیده نیست و شفافیت از جمله بزرگ ترین مشخصات دموکراسی مردم سالاری است که بدان رسیده.

با این همه دو روز است مردم کره در خیابان ها بر صورت می زند و در غم از دست دادن کیم جونگ ایل زندانبان برزگشان گریه می کنند. کیم ایل سونگ بزرگ هم که هنوز مجسمه های چند تنی اش در کنار پرده های چند ده متری همه جای کره شمالی برپاست، وقتی درگذشت سه ماه مردم برای دیدار جسد وی صف کشیدند و هنوز نیز بر آرامگاهش به زیارت می روند و او را خورشید صدا می کنند. و باور دارند که روزهای آفتابی درخشان، از نور اوست که مراقب کره ای هاست.

مردم چک که دیروز در سکوت، اما با احترام، واسلاو هاول را بدرقه کردند اینک آزاد زندگی می کنند، نه گرسنگی و بیماری های کشنده مسری دارند و نه برای کار باید اجازه دولت را داشته باشند و نه نود در صدشان در محل و شهر و کشور خود زندانید. اما کمتر شخصیتی در جهان، این فرصت را برای تکریم یک روشنفکر که نقش خود را بر زمانه خود زد، از دست داد.

حکومتی که واسلاو هاول بنیان نهاد با همه جهان دوست است و رابطه دارد به جز چند دولت مانند جمهوری اسلامی ایران. رابطه تهران و پراگ به ویژه بعد از تاسیس یک رادیوی فارسی زبان در پراگ به تیرگی انجامید. رادیویی که در ادامه طرح رادیو اروپای آزاد بود که در زمان جنگ سرد، برای مبارزه علیه کشورهای دیکتاتوری بلوک شرق توسط آمریکائیان بنیان گذاشته شد. و اینک جای خود را به رادیو فردا داده است.

حکومتی که کیم ایل سونگ بنیان گذاشت و کیم جونگ ایل دیروز با درگذشت خود به پسر سپرد، از منزوی ترین دولت های جهان است و با معدودی از دولت ها روابط دوستانه دارد که جمهوری اسلامی یکی از آن هاست.

دوشنبه در اولین روز اعلام درگذشت کیم جونگ ایل، رییس مجلس ایران علی لاریجانی، کره شمالی را کشور دوست خواند و از مرگ رهبرش ابراز تاسف کرد، اما روزنامه های ایران از وضعیت کره شمالی نوشتند و آن زندان بزرگ را چنان که بود، تشریح کردند.

مردم سالاری در سرمقاله خود نوشت در سال ۲۰۱۱ دیکتاتورهای بزرگ و کوچکی همچون بن علی، مبارک و قذافی از اریکه قدرت به زیر کشیده شدند، آنهاپی هم که با سماجت در راس قدرت باقی ماندند برق شمشیر خشم مردم را زیر گلوی خود حس می کنند. اعتراض مردم، قدرت رام نشدنی است که نه مرز می شناسد و نه ملیت؛ اما گویی در کشوری به نام کره شمالی اوضاع متفاوت است. گویی به این کشور نه صدایی می رسد و نه از آن صدایی شنیده می شود.

علی ودایع در این مقاله با اشاره به سالگرد بهار عربی پرسیده چه می شود

کیم جونگ ایل رهبر کره شمالی درگذشت



مرگ دو رهبر، بی هیچ شباهتی به هم

مسعود بهنود

در فاصله دو روز واسلاو هاول و کیم جونگ ایل روسای جمهوری چک و کره شمالی به بیماری از دنیا رفتند. هاول سی ماه رییس جمهور چکسلواکی و ده سال رییس جمهور چک بود، و کیم جونگ ایل هفده سال رییس جمهور کره شمالی. اولی نویسنده و نمایشنامه نویس و روشنفکری جهانی بود و دومی تنها هنرش این که فرزند اول کیم ایل سونگ بود آن که سی سال رهبری بلامنازع حکومت سوسیالیستی شمال مدار شانزده درجه کره را برعهده داشت.

هاول شش سال بزرگ تر از کیم بود. خدمتی بزرگی که او به هموطنانش و چه بسا جامعه بشری کرد این بود که موجب شد تا دوره سخت کردن از کمونیسم و پیوستن به دموکراسی لیبرال، بی درد طی شود. سهل است یک جراح بزرگ هم با حضور و درایت وی بدون هیچ تشنجی عملی شد. چکسلواکی به تصمیم مردمش به دو نیمه شد، چک و اسلواکی. هر دو نیمه حاضر بودند هاول را به ریاست بپذیرند.

هاول بعد از ده سال که به عنوان بنیان گذار و اولین رییس دولت جمهوری چک خدمت کرد در ۲۰۰۳ آرام از کاخ خارج شد در حالی که دموکراسی و آزادی چنان در پراگ شهری نهادینه شد که هنوز آثار تیر و توپ های ارتش سرخ به ساختمان هایش پیدا ست. همان وقت که تانک های روسی با خشونت تمام به چکسلواکی سرازیر شدند و اصلاحات خواست مردم [به رهبری الکساندر دوبچک] را از ریشه کردند، و همین هاول و صدها روشنفکر را به زندان بردند.

اما در شمال کره که هفده سال کیم جونگ ایل در آن بلامنازع و به تعقیب راه پدرش، به تنهائی حکم راند، جامعه ای غریب ساخته شده. مردم بدون اذن حکومت نه سفر به ده همسایه می توانند کرد و نه ازدواج با کسی که می خواهند. سفر به خارج به کلی ممنوع است. آن جا نه انتخاباتی هست و نه روزنامه آزادی، نه کتابی، به جز کتاب کیم ایل سونگ که همه آن

که در کشوری مانند کره شمالی هیچ تحولی جز آنچه که مدنظر حکومت کمونیستی است رخ نمی دهد؟! هیچ کس جز اندک جاسوس های غربی آن هم به صورت خیلی سطحی از مکانیسم حکومت پیونگ یانگ اطلاعات دقیقی ندارد؛ جز آن که یک رهبر کارزماتیک توتالیتار همچون یک بت بزرگ پرستیده می شود.

حمیدرضا عسگری در سرمقاله روزنامه آفرینش با اشاره به سالگرد تولد انقلاب خاورمیانه نوشت اما در این کشاکش کسی متوجه خاور دور و کره شمالی نبود. جایی که مستبد ترین و بسته ترین حکومت فردی در جهان به شمار می رود. کشوری که بیش از نیم قرن است مردم آن در قفس و خفقان محض دیکتاتوری زندگی می کنند. جایی که مردم با شیپور حکومتی از خواب بیدار می شوند و با قطع برق شهر به خواب می روند. کسی از اینترنت، ماهواره، موبایل چیزی نمی داند چون آگاهی و استفاده از این ابزارهای نایاب اعدام به همراه دارد.

به نوشته این مقاله مردم پیونگ یانگ اجازه داشتن خودروی شخصی ندارند البته توانایی خرید آن را هم ندارند. چون درآمدشان کفاف تهیه دو وعده غذا در روز را بیشتر نمی دهد. در این کشور حرف زدن از سران حکومت و خانواده شان جرم است چه برسد به انتقاد و اعتراض...! به هر صورت آنها انسان هستند و بالاخره روزی گوهر وجودی خود را خواهند شناخت. اما دست تقدیر بی سر و صدا به سراغ کیم جونگ ایل ۶۹ ساله رفت و برای همیشه وی را از زندگی ساقط کرد.

دیگر روزنامه های تهران هم همین مضمون را نوشتند و در لابلای سطورشان پیش بینی کردند که با مرگ کیم جونگ، حکومت کره شمالی ناگزیر است دست به تحولی بزرگ بزند گرچه باز هم معلوم نیست چه بر سرش بیاید.

همزمانی مرگ دو تن که در بیشترین فاصله عقیدتی با یکدیگر به سر می بردند، یکی هاول شیفته آزادی بیان و عقیده، و دیگری کیم جونگ ایل که تا آخرین لحظات حیات به زندانبانی از بیان و عقیده مفتخر بود فرصتی پدید آورده است تا سؤال های مقدر به میدان آورده شود: آیا هاول و مردم چک آرام در بستر دموکراسی خزیدند چون در قاره اروپا بودند، آیا این اطاعت ذاتی چشم بادامی ها از فرمان مافوق، به خاندان کیم ایل سونگ امکان داد تا نزدیک هفتاد سال اینان را در قید نگاه دارند.

به تعبیری کره شمالی و کوبا تنها دو حکومتی هستند که همچنان به اندیشه های مارکسیسم وفادار مانده اند. مردمشان گرسنگی می کشند، فقر سیاه و بیماری های جانکاه را تحمل می کنند، و وفادار مانده اند.

جمال رحمتی هم امروز با کارتون خود در روزنامه شرق، از آب شدن اندیشه کیم جونگ ایل خبر داد. کارتونی که در آن رهبر درگذشته کره شمالی را شمعی دیده که آب شد.

گروهی از مسیحیان اهواز در آستانه کریسمس بازداشت شدند

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آستانه کریسمس گروهی از مسیحیان شهر اهواز را بازداشت کردند.

به گزارش خبرگزاری حقوق بشر ایران (هرانا)، بامداد روز جمعه دوم دی ماه (۲۳ دسامبر)، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران به کلیسای جماعت ربانی اهواز یورش برده و فرهاد سبک روح، کشیش کلیسا را به همراه خانم شهناز، همسر این کشیش و تمام اعضای کلیسا بازداشت کرده و به وسیله دو دستگاه اتوبوس به مکان نامعلومی منتقل کردند.

برپایه این گزارش، نیروهای امنیتی به هنگام یورش به داخل کلیسا صورت های خود را پوشانده بودند و حتی کودکان را که به شدت ترسیده بودند نیز با خود بردند.

آن ها تلفن های همراه حاضرین در کلیسا را ضبط کرده و تمام اتاق ها را مورد بازرسی قرار دادند و چند دستگاه کامپیوتر و تجهیزات متعلق به کلیسا را نیز به همراه خود بردند.

بنا به این گزارش تا چند ساعت هیچ گونه خبری از وضعیت بازداشت شدگان در دست نبود اما سپس فرهاد سبک روح، همسرش و دو تن از اعضای کلیسا آزاد شده اما بقیه همچنان در بازداشت به سر می برند. سال گذشته نیز نزدیک به ۶۰ تن از اعضای کلیسای خانگی در دی ماه و در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند و یک تن از این شهروندان مسیحی همچنان در بازداشت وزارت اطلاعات به سر می برد.

دو تن از نوکیشان مسیحی ساکن تبریز، به نام های وحید روفه گر و رضا کهنمویی در تاریخ ۲۴ تیرماه سال جاری توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شدند.

صداوسیما جمهوری اسلامی نیز در شهریورماه سال جاری اعلام کرد که ۹ نفر به اتهام تبلیغ مسیحیت در اطراف همدان دستگیر شده اند.

همچنین ماه گذشته یک دانشجوی مسیحی در مشهد ناپدید شد و دوستان وی از احتمال بازداشت او خبر داده اند.

مسیحیت یکی از ادیانی است که جمهوری اسلامی ایران آن را به رسمیت می شناسد، اما این شامل حال نوکیشان مسیحی فارسی زبان که از زمینه دیگر دینی به مسیحیت روی آورده اند نمی شود.

بر اساس منابع فقهی و اسلامی این گونه افراد از دین برگشته یا "مرتد" به شمار می روند و مجازات آن ها مرگ تعیین شده است.

نزدیک به ۱۲۵ هزار نفر مسیحی در ایران زندگی می کنند که اکثریت آنان را ارامنه ارتدکس تشکیل می دهند. در این میان جمعیتی نزدیک به ۱۷ هزار نفر کاتولیک و حدود ۳۵ هزار نفر نیز مسیحیان آشوری هستند.

آمار دقیقی از نوکیشان مسیحی در ایران در دست نیست ولی سازمان بین المللی "اوپن دورز" که در مورد مسیحیان تحت فشار در جهان اطلاع رسانی می کند، می گوید حدود نیمی از مسیحیان ایرانی، نوکیش هستند.

فاطمه کروبی از آخرین دیدار خود با همسرش می گوید

پیام مهدی کروبی از حبس: می خواهند انتخاباتی فرمایشی و دستوری ترتیب دهند

پیام مهدی کروبی از حبس: می خواهند انتخاباتی فرمایشی و دستوری ترتیب دهند

فاطمه کروبی از آخرین دیدار خود با همسرش می گوید. سحام نیوز: با نزدیک شدن به زمان انتخابات و شروع ثبت نام کاندیداها خبرنگار سحام نیوز گفتگویی کوتاه اما مهم را با فاطمه کروبی همسر مهدی کروبی انجام داده است که در ادامه آن را می خوانید. خبرنگار ما از فاطمه کروبی پرسید که «باتوجه به شروع زمان ثبت نام انتخابات مجلس، بحث ها و موضع گیری های مختلفی در خصوص انتخابات و امکان حضور اصلاح طلبان در این انتخابات مطرح شده است؛ آیا شما در دیدارهای هفتگی خود با آقای کروبی به عنوان رئیس سابق مجلس، در این خصوص سؤالی از ایشان پرسیده اید و از موضع ایشان اطلاع دارید؟ و اینکه آخرین وضعیت ایشان چگونه است؟»



آقایان هیچ اعتقادی به رای مردم ندارند و از هم اکنون خود را برای برگزاری انتخاباتی فرمایشی آماده می کنند فاطمه کروبی در پاسخ به این پرسش گفت: «همانگونه که در جریان هستید آقای کروبی بیش از ۳۰۰ روز است که در حبس خانگی به سر می برند و ایشان به لطف پروردگار و دعای خیر مردم از نظر روحی شاداب و با عزمی راسخ، همچون کوه استوار است و از صمیم دل سلام به یکایک مردم آزاده ایران می رساند. اما در مورد بخش اول سوال شما در خصوص انتخابات آینده مجلس، آقای کروبی دسترسی آزادی به اطلاعات و اخبار مختلف در خصوص انتخابات ندارند و تنها به صداوسیما «میلی» و نیز به تازگی به دو روزنامه دسترسی دارند. من در دیدار اخیر خود نیز به ایشان اطلاع دادم که برخی نزدیکان و دوستان از تهران و شهرستان ها مراجعه می کنند و نظر جنابعالی را در خصوص شرکت در انتخابات و کاندیداتوری نیروهای اصلاح طلب جویا می شوند؛ که ایشان در پاسخ به این موضوع نکاتی را با من درمیان گذاشتند.»

فاطمه کروبی، نماینده سابق مجلس؛ در ادامه در خصوص دیدگاه هایی که مهدی کروبی با ایشان درمیان گذاشته بود گفت: «ایشان به من گفتند "موضع گیری هایی که از دبیر شورای نگهبان و وزیر اطلاعات و برخی دیگر از مسئولان و مخصوصا صدا و سیما شنیده ام حاکی از آن است که به اعتقاد "آنان" دشمنان انقلاب و نظام می خواهند از فرصت انتخابات استفاده کنند و امنیت کشور را برهم زنند! من از این دیدگاه ها استنباط کردم که آقایان از تداوم قهر و نارضایتی مردم به خوبی مطلع اند و می خواهند انتخاباتی فرمایشی و دستوری ترتیب دهند و با رد صلاحیت و ابطال برخی حوزه ها و پرکردن صندوق های رای از رای های بدون صاحب، و سپس برخورد و دستگیری و به وجود آوردن رعب و وحشت و امنیتی کردن کشور، پروژه تکراری انتخابات ۸۸ را بار دیگر پیاده کنند و از کاندیداها بخوانند که برای دریافت جواز تایید صلاحیت شورای نگهبان، به تعبیر آنان از "سران فتنه" و گروه خودساخته ی "جریان انحرافی" اعلام برائت کنند. ناگفته نماند که چسباندن گروه منتسب به "جریان انحرافی" توسط حکومت به طیف اصلاحات ، جنبش سبز و مردم معترض، سناریوی نخ نما شده ای در این پروژه است. که البته بنده معتقدم مردم بر ماهیت این اقدامات نمایشی به خوبی واقفند." چسباندن گروه منتسب به "جریان انحرافی" توسط حکومت به طیف اصلاحات ، جنبش سبز و مردم معترض، سناریوی نخ نما شده ای در این پروژه است

آقای کروبی اینها را به من گفتند و افزودند که "هنوز هیچ اتفاقی نیافتاده آقایان ستاد مبارزه با تخلفات انتخاباتی را با حکم رییس قوه قضائیه تشکیل داده اند و همه اینها نشان دهنده آن است که آقایان هیچ اعتقادی به رای مردم ندارند و از هم اکنون خود را برای برگزاری انتخاباتی فرمایشی آماده می کنند."

فاطمه کروبی سپس اشاره کرد که آقای کروبی با ذکر این مقدمات در ادامه تاکید کردند: «برای اینکه از این بیشتر آبروی اسلام و روحانیت نرود و مردم و فعالان سیاسی دلسوز نظام، مجددا گرفتار نشوند، بهتر است جمع اندکی که مورد قبول آقایان هستند مانند: علی اکبر ولایتی، محسن رضایی (که در انتخابات ۸۸ نظرات بدیعی داشتند) به سخنگویی حدادعادل و احمد خاتمی (به عنوان حاکم شرع قاطع، که وی، حقیر و آقای موسوی را محارب اعلام کرده بود)؛ به ریاست احمد جنتی - که عمر او دراز باد- به عنوان شورای عالی انتخابات منصوب شوند و افرادی را به عنوان نماینده ملت انتخاب (منصوب) کنند و تیر آخر را به پیکره جمهوری اسلامی که در سال ۵۸ با رأی قاطع و بی سابقه مردم تصویب و تاسیس شد؛ بزنند تا انشاله مردم در فرصتی مناسب، ارزش های موجود در قانون اساسی سال ۵۸ را، البته با اصلاحاتی که در گذر زمان ضروری می نماید؛ احیا کنند.»

ها ممکن است این کشور ناچار شود در مناسبات اقتصادی اش با ایران تجدید نظر کند.

وقفه ای که در روند مبادلات تجاری بین ایران و امارات رخ داد، هشدار می‌دهد که دولت ایران است که بیش از یک پنجم وارداتش را از طریق این همسایه جنوبی تامین می‌کند و این کشور در حال حاضر بزرگترین شریک تجاری ایران است.

محمد نهاوندیان رئیس اتاق بازرگانی ایران به خبرگزاری مهر گفته که "نباید اجازه دهیم که نوسان های پر افت و خیز در بازارهای اصلی اقتصاد ایران یعنی بازار ارز بتواند بر روی تصمیم گیری فعالان اقتصادی اثرات اساسی بگذارد."

دولت اکنون ارز دولتی در اختیار واردکنندگان می‌گذارد اما آشفته‌گی بازار، تجار را نگران کرده که نکنند بانک مرکزی سرانجام برای از بین بردن فاصله قیمت دولتی و آزاد، قیمت ارز دولتی را افزایش دهد و هزینه های آنها بیشتر شود.

افزایش شدید نقدینگی، از دست رفتن جذابیت بازارهای موازی نظیر بازار مسکن، خودرو، تلفن همراه و کم بودن سود سپرده های بانکی و سود اوراق مشارکت و افزایش تورم از جمله مشکلاتی است که به آشفته‌گی بازار ارز کمک کرده است.

در عین حال، دولت برنامه حذف یارانه ها را در دست اجرا دارد و گزارشها نشان می‌دهد که تیم اقتصادی آقای احمدی نژاد برای پرداخت یارانه نقدی با کسری ۱۵ هزار میلیارد تومانی رو به رو است.

برای همین برخی کارشناسان معتقدند که بانک مرکزی و دولت، برخلاف ظاهر، از بالا رفتن قیمت ارز راضی هستند چون دولت با فروش ارز به قیمت بالاتر می‌تواند بخشی از کسری بودجه خود را جبران کند.

برخی نیز وضعیت فعلی را با سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ مقایسه می‌کنند که بحران بدهی های ارزی در ایران رخ داد و قیمت ارز افزایش یافت. در همان زمان نیز دولت اکبر هاشمی رفسنجانی برنامه تعدیل اقتصادی را در دست اجرا داشت که حذف یارانه یکی از اهداف آن بود.

البته آن زمان قیمت نفت بسیار پائین بود در حالی که اکنون نفت ایران با قیمتی بیشتر از یکصد دلار به فروش می‌رسد و پیش بینی می‌شود که درآمدهای نفتی این کشور امسال به حدود یکصد میلیارد دلار برسد. دولت اکبر هاشمی رفسنجانی وقتی بحران بدهی های ارزی بروز کرد با فشار مخالفان دولت از اجرای برنامه تعدیل عقب نشینی کرد و اکنون برخی معتقدند که دولت آقای احمدی نژاد ممکن است به همان سرنوشت دچار شود.

البته آن زمان گروه های چپ و راست سیاسی برای متوقف کردن برنامه تعدیل اقتصادی فشار بیشتر حتی از بحران ارزی روی دولت آقای هاشمی وارد می‌کردند در حالی که اکنون همه گروههای سیاسی از حذف یارانه ها دفاع می‌کنند اگر چه در نحوه اجرا با دولت اختلاف دارند و دولت نیز مشکلی در تامین منابع ارزی ندارد.



تلاطم دوباره در بازار ارز ایران

بعد از چند روز بازار ارز ایران دوباره آشفته شده و هر دلار در معاملات صبح امروز در بازار با افزایشی شدید به رقم ۱۵۵۰ تومان رسیده ولی در پایان معاملات روزانه با مقداری کاهش، در حدود ۱۵۳۰ تومان ثابت مانده است.

دلار یک هفته پیش بعد از چند ماه رشد مداوم یکباره رکورد تازه ای از خود به جا گذاشت و به رقم ۱۴۰۰ تومان رسید و بعد از آن نیز در فاصله چند روز از مرز ۱۵۰۰ تومان فراتر رفت.

گزارشها نشان می‌دهد که دلار در ساعات اولیه امروز دوشنبه پنجم دی بار دیگر رکورد تاریخی به جا گذاشت.

این افزایش قیمت در حالی صورت گرفته که نرخ رسمی بانک مرکزی تغییر چندانی نداشته و امروز هر دلار از سوی بانک مرکزی ۱۱۲۰ تومان قیمت گذاری شده بود.

بقیه ارزها نیز وضعیت مشابه دلار دارند و امروز هر یورو با بیشتر از ۷۰ تومان افزایش به رقم ۱۹۵۰ تومان رسید و هر پوند نیز با ۷۵ تومان افزایش به قیمت ۲۳۵۵ تومان معامله شد.

در حالی که نرخ بانک مرکزی برای هر یورو ۱۴۵۲ تومان و برای هر پوند ۱۷۳۶ تومان بود.

بانک مرکزی ایران در ماههای گذشته سعی کرده تا قیمت ارز را در بازار مدیریت کند، اما این تلاش ها موفقیتی نداشته و اکنون بحران در بازار ارز در حالی ادامه پیدا می‌کند که بانک مرکزی برنامه جدیدی را برای کنترل آن اعلام نکرده است.

اگر چه مهدی غضنفری امروز در همایش صادرات غیر نفتی گفته که محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور به محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی دستور داده تا "هر چه سریعتر بازار ارز را در چارچوب مدیریت گذشته سر و سامان دهد."

به نظر می‌رسد منظور از "چارچوب مدیریت گذشته" همان برنامه ای است که بانک مرکزی از یک دهه پیش تحت عنوان تک نرخی کردن ارز اجرا می‌کرد، ولی در ماههای گذشته به دلیل ناتوانی در کنترل اوضاع عملاً این برنامه را کنار گذاشت.

دلایل آشفته‌گی مداوم بازار ارز

گزارشها نشان می‌دهد که تقاضای زیاد باعث شده که قیمت انواع ارز در بازار افزایش پیدا کند، اما به هم خوردن روابط تجاری با امارات نیز به این آشفته‌گی دامن زده است.

کارشناسان می‌گویند که ایران بازار پرسودی برای امارات است و این کشور نمی‌تواند جانمایی برای ایران پیدا کند، ولی برخلاف پیش بینی

بازخوانی هشت دوره انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی

نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۲ اسفند برگزار خواهد شد. انتخابات آتی، ظاهراً یکی از متفاوت ترین انتخابات ها در تاریخ جمهوری اسلامی خواهد بود؛ چرا که بخش قابل توجهی از نیروهای سیاسی در ایران، از سه ماه مانده به انتخابات، عدم حضور خود را در آن اعلام کرده اند. اما آیا این انتخابات، تنها انتخابات "ویژه" مجلس در جمهوری اسلامی است؟

مروری بر هشت دوره انتخابات مجلس در عمر جمهوری اسلامی، ویژگی های منحصر به فرد هر دوره را نمایان می کند. این مرور، همچنین مشخص می کند که معنا و ماهیت مشارکت در انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی، چه سان دچار دگرگونی شده است.

با این حال، آیت الله خمینی در آستانه انتخابات در پیامی اعلام کرد: "خوف آن دارم که تبلیغات برای اشخاصی که به اسلام و جمهوری اسلامی اعتقاد ندارند و اعمال و گفتار آنان در این یک سال شاهد آن است و اکنون برای راه پیدا کردن به مجلس و برای کارشکنی و جنجال در محیط مقدس مجلس شورای اسلامی، خود را هوادار اسلام و مسلمانان جا می زنند، در قشری از ملت و جوانان پاکدل تأثیر کند و آرای مقدس خود را به کسانی دهند که به نفع اجانب، با اسلام و جمهوری اسلامی مخالفت اساسی دارند."

تعدادی از نمایندگان شاخص مجلس اول عبارت بودند از فخرالدین حجازی، حسن حبیبی، سیدعلی خامنه ای، علی اکبر معین فر، محمدجواد حجتی کرمانی، محمدجواد باهنر، مهدی بازرگان، حسن آیت، محمدعلی رجایی، علی گلزاده غفوری، مصطفی چمران، هادی غفاری، اکبر هاشمی رفسنجانی، ابراهیم یزدی، عزت الله سبحانی و اعظم طالقانی.

مسعود رجوی، معروف ترین چهره سازمان مجاهدین خلق در تهران، از راهیابی به مجلس اول بازماند. هنوز در مورد صحت شمارش آرای وی و دیگر نامزدهای مجاهدین در آن دوره، تردیدهایی مطرح است.

رییس سنی مجلس اول، دکتر یدالله سبحانی بود. اما در نخستین جلسه رسمی مجلس، اکبر هاشمی رفسنجانی به ریاست آن برگزیده و در مورد تغییر نام مجلس از "شورای ملی" به "شورای اسلامی" نیز بحث شد.

در تیرماه سال ۱۳۵۹، مجلس شورا در ایران "اسلامی" شد.

موسوی لاری که خود در دوره سوم نماینده مجلس بود و بعدتر در دولت خاتمی، وزیر کشور شد، تصریح می کند: "ویژگی مهم دوره اول که تکرار نشد، این بود که مجلس برآیند گرایش های مختلف جامعه بود. وزانت مجلس اول را هیچ مجلسی نداشت."

انتخابات مجلس دوم؛ گزینش در فضای جنگ

میزان مشارکت در انتخابات مجلس دوم ۶۵ درصد اعلام شد که حدود ۵ درصد بیش از نرخ مشارکت مجلس اول بود"

انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۶ فروردین ۱۳۶۳ برگزار شد؛ انتخاباتی در هنگامه جنگ با عراق.

اقدامات نهادهای حکومتی علیه منتقدان و مخالفان سیاسی، سیما و محتوای انتخابات جدید را به کل دگرگون ساخته بود و در آن، خبری از هیچ کدام از احزاب و سازمان های سیاسی اپوزیسیون نبود.

جبهه ملی ایران متهم به ارتداد شده بود؛ سازمان مجاهدین خلق، سازمان فداییان خلق و حزب توده قلع و قمع شده بودند؛ و نهضت آزادی ایران و جمعیت های همسو نیز از مدت ها پیش امکان فعالیت سیاسی نداشتند.

انتخابات مجلس اول؛ آزادترین انتخابات

در انتخابات مجلس اول ۵۱ درصد واجدین شرایط شرکت کردند و کمترین نرخ مشارکت مربوط به استان کردستان بود که فضای انتقادی اعتراضی حاکم بر آن، مشارکت را به ۲۲ درصد تقلیل داد"

به عقیده بسیاری از تحلیلگران، انتخاباتی که در ۲۴ اسفند ماه سال ۱۳۵۸ برگزار شد، آزادترین انتخابات بعد از پیروزی انقلاب در ایران بود.

انتخابات مجلس شورا (که هنوز "ملی" خوانده می شد و نه "اسلامی") در همان سالی برگزار شد که در فروردین آن اکثریت قابل توجهی از ایرانیان به جمهوری اسلامی "آری" گفتند؛ در مردادماه در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت کردند؛ در آذرماه قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب رساندند؛ و در بهمن ماه نخستین رییس جمهور ایران را برگزیدند.

ترکیب و تنوع گروه های سیاسی شرکت کننده در انتخابات، و تب و تاب جامعه ای که هنوز از پیروزی انقلاب آن، یک سال بیشتر سپری نمی شد، انتخابات مجلس را کاملاً متمایز می ساخت.

ترکیب احزاب و گروه های شرکت کننده در انتخابات، متنوع و متکثر بود؛ از حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نهضت زنان مسلمان و اتحادیه انجمن های اسلامی گرفته، تا نهضت آزادی ایران، جبهه ملی ایران، حزب توده، سازمان فدائیان خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، جاما، جنبش مسلمانان مبارز و حتی دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور (ابوالحسن بنی صدر).

تعداد واجدین شرایط رای دادن در این دوره انتخابات ۲۰ میلیون و ۸۵۷ هزار نفر اعلام شد. از این تعداد ۱۰ میلیون و ۵۷۶ هزار نفر، یعنی حدود ۵۱ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند.

میزان مشارکت شهروندان در این انتخابات، البته از میزان مشارکت آنان در رفاندوم جمهوری اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری، کمتر بود.

از ۲۴ استان کشور در آن مقطع، ایرانیان در ۱۰ استان به میزان کمتر از ۵۰ درصد در انتخابات مشارکت داشتند.

کمترین نرخ مشارکت مربوط به استان کردستان بود که فضای اعتراضی حاکم بر آن، مشارکت را به ۲۲ درصد تقلیل داد.

قابل توجه آن که ۴ استان از استان هایی که کمتر از ۵۰ درصد مشارکت داشتند، جزو ۱۰ استان پرجمعیت کشور بودند (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمان و گیلان).

در تنها انتخابات مجلس که "نظارت شورای نگهبان" در آن وجود نداشت، صلاحیت نامزدها توسط وزارت کشور مورد بررسی قرار گرفت.

انتخابات، رقابتی بود میان گروه‌های مختلف همراه آیت الله خمینی. از حدود ۲۴ میلیون و ۱۴۳ هزار نفر واجدان شرایط رای دادن، حدود ۱۵ میلیون و ۶۰۷ هزار نفر در این انتخابات شرکت کردند. میزان مشارکت مردم در انتخابات، حدود ۶۵ درصد بود. آمار رسمی اعلام شده، میزان مشارکت در این انتخابات را حدود ۵ درصد بیش از انتخابات مجلس اول اعلام کرد. قابل تامل آن که اعلام شد افزایش مشارکت در استان کردستان، ۳ برابر، و در مورد سیستان و بلوچستان ۲ برابر بوده است. این انتخابات، آغاز رقابت نیروهای نظام سیاسی مستقر بود و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری دیدگاه‌ها و فهرست‌های فرعی چپ و راست و بروز تمایلات تمایز طلبانه شد که در مبارزات انتخاباتی بعد به شکل آشکارتری خود را نشان داد.

در غیاب چهره‌های سرشناسی که یا نظیر مهدی بازرگان و یدالله سبحانی امکان ورود به مجلس نداشتند، یا همچون علی خامنه‌ای به قوه مجریه رفته بودند و یا مانند مصطفی چمران جان باخته بودند، مجلس دوم با حضور فعالان سیاسی معتقد به نظام سیاسی و ولایت مطلقه فقیه شکل گرفت.

فهرست‌های دو جمعیت سیاسی اصلی فعال در رقابت انتخاباتی، یعنی حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز، در تهران ۲۵ نام مشترک داشت.

شناخته شده‌ترین نماینده، اکبر هاشمی رفسنجانی، نفر اول پایتخت بود که بار دیگر بر صدر مجلس تکیه زد. مهدی کروبی، نفر دوم تهران، محمد یزدی و محمد مهدی ربانی املشی هم نواب رییس شدند که از روحانیون شناخته شده بودند.

گوهرالشریعه دستغیب، عباس شیبانی، عاتقه صدیقی (رجایی)، محمدعلی موحدی کرمانی، جلال الدین فارسی، فخرالدین حجازی، هادی غفاری، سید محمود دعایی، مهدی شاه آبادی، قربانعلی دری نجف آبادی و محسن مجتهدشبهستری از جمله نامزدهایی بودند که در مرحله اول به مجلس راه یافتند.

مجلس دوم زیر سایه کاریزمای آیت الله خمینی و در وضعیت جنگ و فقدان شرایط فعالیت سیاسی برای منتقدان، در حالی به کار پرداخت که چالش میان نخست وزیر (میرحسین موسوی) و رییس جمهوری (علی خامنه‌ای) قوه مجریه را دچار اختلافات درونی کرده بود.

اجازه از رهبر وقت جمهوری اسلامی، به عنوان جناح چپ و خط امامی جامعه روحانیت، جدایی خود از آن و تاسیس مجمع روحانیون مبارز را اعلام کرده بودند.

در این انتخابات از ۲۷ میلیون و ۹۸۷ هزار نفر جمعیت واجد شرایط رای دادن، ۱۶ میلیون و ۷۱۴ هزار نفر یعنی حدود ۶۰ درصد واجدان شرایط پای صندوق‌های رای رفتند.

میزان مشارکت در استان تهران ۴۳ درصد بود که کاهشی ۱۷ درصدی را نسبت به دوره قبل نشان می‌داد.

بعد از برگزاری انتخابات اعلام شد که میزان مشارکت در استان کهگیلویه و بویراحمد حدود ۹۴ درصد و در استان جنگ زده ایلام حدود ۸۶ درصد بوده است.

در مجلس سوم هم خبری از منتقدان و مخالفان حاکمیت نبود.

دعوی وزارت کشور که علی اکبر محتشمی پور روحانی چپ‌گرا مسئولیت آن را عهده دار بود با شورای نگهبان متمایل به راست در مورد بازشماری آراء و دخالت آیت الله خمینی به نفع چپ‌های خط امامی، مهمترین رویداد موثر بر انتخابات محسوب می‌شد. منازعه‌ای که حتی به استعفای اعتراضی لطف الله صافی گلپایگانی از شورای نگهبان پس از هشت سال دبیری این شورا منجر شد.

محمدرضا مهدوی کنی، عضو وقت شورای نگهبان، به نکته قابل توجهی در ارتباط با نحوه نظارت بر این انتخابات اشاره کرده است. وی گفته است: "مرحوم حاج احمد آقا ابراز کرد که خوب است یک فرد هم از دفتر امام بر این بازشماری نظارت داشته باشد. من گفتم: شاید این کار دون شأن دفتر امام باشد؛ ولی در عین حال اشکالی ندارد."

به این ترتیب، برای نخستین بار پای نظارت دفتر رهبری بر انتخابات، علاوه بر نظارت وزارت کشور و شورای نگهبان، باز شد. انتخاباتی که به عقیده مهدوی کنی، عضو وقت شورای نگهبان، "با سلامت برگزار نشد". مجلسی که اکثریت آن را چپ‌های خط امامی تشکیل داده بودند، بعد از خروج هاشمی رفسنجانی (به دلیل انتخاب وی به عنوان رییس جمهور)، ریاست را به مهدی کروبی داد و اسدالله بیات و حسین هاشمیان را نواب رئیس کرد.

شاخص‌ترین چهره‌های مجلس را خط امامی‌هایی چون فخرالدین حجازی، نجفقلی حبیبی، عبدالواحد موسوی لاری، هادی غفاری، مصطفی معین و ابراهیم اصغرزاده تشکیل می‌دادند.

انتخابات مجلس چهارم؛ نظارت استصوابی

نرخ مشارکت مردم در انتخابات مجلس چهارم ۵۸ درصد و در استان‌های تهران و اصفهان کمتر از ۵۰ درصد اعلام شد

انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی در ۲۱ فروردین ۱۳۷۱ و در حالی برگزار شد که دوران سازندگی به راهبری اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز شده بود.

در آستانه انتخابات مجلس چهارم، ماده سوم قانون انتخابات (مصوب سال ۱۳۶۲) که نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس را "عام و در تمام مراحل و کلیه امور مربوط به انتخابات" می‌دانست، از سوی شورای نگهبان به نظارت "استصوابی" و لازم‌الاجرا تفسیر شد.

تفسیر شورای نگهبان، به ردصلاحیت ۸۰ نفر از نامزدهای طیف چپ منجر گردید که قریب به ۴۰ نماینده مجلس نیز جزو ردصلاحیت شده

انتخابات مجلس سوم؛ نزاع "جامعه" و "مجمع"

میزان اعلام شده مشارکت در انتخابات مجلس سوم حدود ۶۰ درصد و در استان تهران ۲۳ درصد بود، که کاهشی ۱۷ درصدی را نسبت به دوره قبل نشان می‌داد

سومین انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی، در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ انجام شد.

انتخابات در حالی برگزار شد که حزب جمهوری اسلامی منحل شده بود و انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز، انتخابات را به صحنه رقابت "چپ‌ها" و "راست‌های حکومت جمهوری اسلامی" مبدل کرده بود.

یک سال پیش از این انتخابات، روحانیونی چون مهدی کروبی، محمد موسوی خوئینی‌ها، محمدرضا توسلی و سیدمهدی امام جمارانی، با کسب

ها بودند.

نظارت استصوابی و رد صلاحیت گسترده نیروهای همسو با مجمع روحانیون مبارز، مجلسی از نیروهای همسو با جناح راست حاکمیت شکل داد که در آن زمان، هنوز از اکبر هاشمی رفسنجانی حمایت می کردند. جامعه روحانیت مبارز با شعار "پیروی از خط امام، اطاعت از رهبری و حمایت از هاشمی" به صحنه انتخابات آمد.

گروه‌های همسو با این تشکل (همچون جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه وعاظ، جامعه اسلامی مهندسين، جامعه زینب و جامعه اصناف و بازار) نیز از فهرست جامعه روحانیت مبارز حمایت کردند.

در نهایت، در انتخاباتی که اعلام شد واجدان شرایط رای دادن در آن ۳۲ میلیون و ۴۶۵ هزار نفر هستند، ۱۸ میلیون و ۷۶۷ هزار نفر شرکت کردند. در حالی که میزان مشارکت مردم در این انتخابات حدود ۵۸ درصد بود، در استان های تهران و اصفهان کمتر از ۵۰ درصد واجدان شرایط به پای صندوق های رای رفتند.

در انتخابات مجلس چهارم، شورای نگهبان ۸۰ نفر از نامزدهای طیف چپ را رد صلاحیت کرد که حدود ۴۰ نماینده مجلس نیز جزو رد صلاحیت شده ها بودند

مطابق نتایج رسمی، میزان مشارکت برای استان کهگیلویه و بویراحمد ۸۶ درصد و در چهار محال و بختیاری ۸۲ درصد اعلام شد.

در مجلسی که جامعه روحانیت مبارز و گروه های همسو سامان داده بودند، علی اکبر ناطق نوری، رئیس شد و حسن روحانی، سید اکبر پرورش، محمدعلی موحدی کرمانی، و حسین هاشمیان نواب رئیس بودند. نکته قابل توجه، کسب بالاترین میزان رای در پایتخت توسط مجری یک برنامه تلویزیونی بود. سید علی اکبر موسوی حسینی، مجری روحانی برنامه اخلاق در خانواده، که در لیست جامعه روحانیت مبارز قرار داشت، با بیش از ۹۳۷ هزار رای نفر اول تهران شد.

این درحالی بود که مهدی کروبی، محمد موسوی خویینی ها، محمدرضا توسلی، علی اکبر محتشمی پور، عبدالواحد موسوی لاری، فخرالدین حجازی، مرتضی الویری، سعید حجاریان، ابوالقاسم سرحدی زاده، محمد سلامتی، نجفقلی حبیبی، علیرضا محبوب، گوهرالشریعه دستغیب، فاطمه کروبی، مرضیه حدید چی دباغ و برخی دیگر از چپ های تایید صلاحیت شده، رای لازم را برای ورود به مجلس کسب نکردند.

در عین حال، همچنان خبری از اپوزیسیون و منتقدان و مخالفان حاکمیت سیاسی در انتخابات نبود.

پس از انتخابات، آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در اظهارنظری در مورد این مجلس گفت: "مجلس چهارم، سیاست را با اخلاق مزوج کرده و بحمدالله، سیاست را در جهت ضد اخلاقی نکشانیده است."

انتخابات مجلس پنجم؛ تلاش برای تنوع

نرخ مشارکت در انتخابات مجلس پنجم ۷۱ درصد اعلام شد و بالاترین میزان مشارکت در تمامی انتخابات های مجلس در جمهوری اسلامی بود

پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با حضور چهار طیف سیاسی ائتلاف خط امام، جامعه روحانیت مبارز، کارگزاران سازندگی و جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی، در روز هجدهم اسفندماه

۱۳۷۴ برگزار شد.

انتخابات همزمان با شروع اختلافات محافظه کاران سنتی با اکبر هاشمی رفسنجانی در مقام رییس جمهور و همکاری آنها در گروه جدیدالتاسیس کارگزاران سازندگی و در فضای اجتماعی متفاوت با دوره های پیشین محقق می شد.

تعداد واجدین شرایط شرکت در انتخابات در این دوره ۳۴ میلیون و ۷۱۶ هزار نفر اعلام شد. منابع رسمی تعداد رای دهندگان را حدود ۲۴ میلیون و ۶۸۲ هزار نفر (با نرخ مشارکت حدود ۷۱ درصد) اعلام کردند.

این، بالاترین میزان مشارکت در تمامی انتخابات های مجلس در جمهوری اسلامی بود. مطابق آمار و ارقام رسمی، میزان مشارکت نسبت به دوره قبل ۱۴ درصد افزایش داشت و در هیچ کدام از استان ها کمتر از ۵۰ درصد گزارش نشد.

بیشترین میزان مشارکت باز هم در کهگیلویه و بویراحمد با ۹۶ درصد، ایلام با ۹۰ درصد و سمنان با ۸۸ درصد اعلام شد.

در انتخاباتی که علی اکبر ناطق نوری، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز، و فائزه هاشمی رفسنجانی، دختر اکبر هاشمی رفسنجانی، نفرت برتر پایتخت در آن بودند، طیفی از نمایندگان جناح های مختلف نظام سیاسی ایران به مجلس راه یافتند: از بهاء الدین ادب منتخب سنجند تا الهه راستگو نماینده ملایر که جزو چهره های احزاب سیاسی معروف نبودند، از قربانعلی دری نجف آبادی تا علی موحدی ساوجی از روحانیون همسو با جناح راست سنتی، از مرتضی نبوی تا جواد لاریجانی از چهره های احزاب محافظه کار، از مجید انصاری تا مصطفی معین متعلق به طیف چپ حاکمیت، و از عبدالله نوری تا فاطمه رمضان زاده که به کارگزاران سازندگی نزدیک بودند.

در این مجلس، در حالی که حسن روحانی، سیاستمدار نزدیک به اکبر هاشمی رفسنجانی، ترجیح داد وارد نزاع طیف های حاضر بر سر ریاست مجلس نشود، علی اکبر ناطق نوری رقابت بر سر ریاست مجلس را از عبدالله نوری برد.

نکته قابل توجه در انتخابات مجلس پنجم، تایید صلاحیت برخی از نیروهای ملی - مذهبی از جمله عزت الله سبحانی، غلامعباس توسلی، ابوالفضل بازرگان و محمد بسته نگار، در آخرین لحظات اعلام فهرست نامزدهای تایید صلاحیت شده بود.

هرچند آنان به دلیل عدم امکان رقابت و تبلیغ، در انتخابات شرکت نکردند، اما به نظر می رسد که پس از چهار دوره، حاکمیت سیاسی تغییر کوچکی در زمینه تایید صلاحیت نامزدها از خود بروز داده است.

انتخابات مجلس ششم؛ تداوم اصلاحات

میزان حضور مردم در انتخابات مجلس ششم ۶۷ درصد اعلام شد و به جز تهران تمام استان ها مشارکتی بالاتر از ۵۰ درصد را ثبت کردند

ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی برگزار شد.

در ۳۰ بهمن ۱۳۷۸، از ۳۸ میلیون و ۷۲۶ هزار نفر واجدان رای دادن، ۲۶ میلیون و ۸۲ هزار نفر (حدود ۶۷ درصد) در پای صندوق های رای حضور یافتند.

هر چند میزان مشارکت ۴ درصد نسبت به دوره قبل کاهش نشان می

بود. این ردصلاحیت نسبت به انتخابات قبل ۵۰۰ درصد افزایش نشان می داد.

در دوره ای که قوه مجریه در اختیار اصلاح طلبان معترض به نظارت استصوابی بود، اکثریت قریب به اتفاق وزرای دولت خاتمی، استانداران، معاونان و مشاوران رییس جمهور، به شدت به رد صلاحیت گسترده نامزدهای انتخاباتی اعتراض کردند. احزاب اصلی اصلاح طلب نیز اعلام کردند که در انتخابات کاندیدایی معرفی نخواهند کرد و در چنین شرایطی، وزارت کشور مجری برگزاری انتخاباتی شد که معترض آن بود.

مطابق آمار وزارت کشور، میزان مشارکت رای دهندگان در انتخابات مجلس هفتم کمترین میزان در بین دوره های مختلف انتخابات بود و نسبت به دوره قبل ۱۶ درصد کاهش را نشان می داد "

از حدود ۴۶ میلیون و ۳۵۱ هزار نفر واجدان شرایط شرکت، ۲۳ میلیون و ۷۳۵ هزار نفر (حدود ۵۱ درصد) در این انتخابات شرکت کردند. این، کمترین میزان مشارکت در بین تمامی ادوار انتخابات مجلس بود و نسبت به دوره قبل ۱۶ درصد کاهش را نشان می داد. شورای نگهبان اما در اطلاعیه خود این انتخابات را "حماسه ای بسیار بزرگتر و زیباتر و شکوهمندتر از قبل" توصیف کرد.

استان تهران با حدود ۳۷ درصد، کمترین میزان مشارکت را نشان داد. بیشترین کاهش مشارکت نیز در استان های کردستان (از ۷۰ درصد به ۳۲ درصد)، آذربایجان غربی (از ۷۱ درصد به ۴۲ درصد)، مرکزی (از ۶۸ درصد به ۴۲ درصد)، اصفهان (از ۶۰ درصد به ۴۰ درصد)، آذربایجان شرقی (از ۶۷ درصد به ۴۵ درصد)، گیلان (از ۷۷ درصد به ۵۰ درصد)، و کرمانشاه (از ۷۱ درصد به ۵۰ درصد) بود. کهگیلویه و بویراحمد با ۸۹ درصد، استان نخست در میزان مشارکت اعلام شد.

در این انتخابات، تشکل های سنتی محافظه کار چون جامعه روحانیت مبارز و حزب موتلفه اسلامی از تشکل نوظهور "ائتلاف آبادگران ایران اسلامی" حمایت کردند. جمعیتی نوظهور که در انتخابات دومین دوره شوراها و در غیاب مشارکت اکثریت شهروندان، پیروز شده و از شهردار شدن محمود احمدی نژاد در تهران حمایت کرده بود.

انتخابات مجلس هفتم، زمینه ساز دگرگونی های بعدی در ساخت سیاسی قدرت، و تلاش برای یکدست سازی مجدد آن، پس از بروز شکاف در دوران اصلاحات شد.

این در حالی بود که گروهی از نمایندگان محافظه کار مجلس هفتم، چون عماد افروغ، بعدها از منتقدان نهادهای حکومتی و به ویژه دولت محمود احمدی نژاد شدند.

انتخابات مجلس هشتم؛ تداوم یکدست سازی حاکمیت

هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ۲۴ اسفند ۱۳۸۶ و در نخستین سال ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد برگزار شد. نظارت استصوابی تداوم یافته شورای نگهبان، از همان ابتدا تمامی نامزدهای شاخص اصلاح طلبان را ردصلاحیت کرد.

از میان معدود اصلاح طلبانی که تایید شدند، جمع کوچکی (چون محمدرضا تابش) به مجلس راه یافتند و فراکسیون اقلیت را سامان دادند. هرچند آنان صدایی در مجلس نداشتند و در اغلب مواقع، از مقابله

داد، به جز تهران تمام استان ها مشارکتی بالاتر از ۵۰ درصد را ثبت کردند.

مطابق آمار رسمی بیشترین مشارکت باز هم از آن استان کهگیلویه و بویراحمد (با حدود ۹۶ درصد) بود.

در فضای گفتن اصلاحات و فعالیت روزنامه های اصلاح طلب، و در مقطعی که جامعه در کشاکش اصلاح طلبان و مخالفان، شاهد رویدادهای غریبی چون قتل های زنجیره ای و حمله به کوی دانشگاه تهران بود، فهرست نامزدهای اصلاح طلب در اغلب نقاط کشور پیروز شد. مهدی کروبی رییس، و محمدرضا خاتمی و بهزاد نبوی نایب رییس مجلس اصلاحات شدند.

هرچند عبدالله نوری که به دلیل اتهامات مطبوعاتی دارای پرونده قضایی بود، امکان حضور در مجلس ششم را نیافت، ولی برادرش علیرضا نوری با رای بالا، در کنار دیگر چهره های سیاسی جبهه مشارکت ایران اسلامی، کارگزاران سازندگی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر کرسی نمایندگی مجلس تکیه زد.

هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی درحالی برگزار شد که دهها نماینده اصلاح طلب مجلس ششم، استعفا داده و در ساختمان مجلس متحصن شده بودند "

جامعه روحانیت مبارز و جمعیت های سیاسی همسو با آن همچون جمعیت موتلفه اسلامی و جامعه اسلامی مهندسين، چنان که پیش بینی می شد توفیقی در انتخابات نیافتند.

در عین حال، نظارت استصوابی همچنان جاری بود. ردصلاحیت برخی نامزدهای اصلاح طلب (چون هاشم آقاجری، حمیدرضا جلالی پور و عباس عبدی) همان قدر مهم بود که تایید صلاحیت برخی نامزدهای ملی - مذهبی (ازجمله علیرضا رجایی در تهران و رحمان کارگشا در اراک).

به هر ترتیب، شورای نگهبان با ابطال نتایج تعدادی از صندوق ها، نتایج انتخابات را در بعضی از حوزه ها عوض کرد.

در تهران، با ابطال ۷۰۰ هزار رای توسط شورای نگهبان، غلامعلی حداد عادل به جای علیرضا رجایی به مجلس راه یافت و رئیس فراکسیون اقلیت - متعلق به محافظه کاران - شد.

در اراک نیز شورای نگهبان نتیجه ۳۱ صندوق را باطل اعلام کرد و مانع از راهیابی رحمان کارگشا به مجلس شد.

با بالا گرفتن اختلاف وزارت کشور و شورای نگهبان بر سر انتخابات، مصطفی تاج زاده رییس ستاد انتخابات وزارت کشور و احمد جنتی دبیر شورای نگهبان از یکدیگر به مراجع قضایی شکایت کردند.

دستگاه قضایی به شکایت دبیر شورای نگهبان رسیدگی و مصطفی تاج زاده را محکوم کرد. اما پرونده شکایت رییس ستاد انتخابات وزارت کشور از احمد جنتی به جایی نرسید.

انتخابات مجلس هفتم؛ تحصن نمایندگان

هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در نخستین روز اسفند ۱۳۸۲، درحالی برگزار شد که دهها نماینده اصلاح طلب مجلس ششم، استعفا داده و در ساختمان مجلس متحصن شده بودند.

تحصن این نمایندگان، در اعتراض به اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت بیش از ۳۶۰۰ نفر از میان حدود ۸۱۵۰ نامزد نمایندگی مجلس

با اقدامات محافظه کاران و چالش با جریان مسلط در مجلس، خودداری کردند.

بیشترین کاهش مشارکت در انتخابات مجلس هفتم در استان های کردستان (از ۷۰ درصد به ۳۲ درصد)، آذربایجان غربی (از ۷۱ درصد به ۴۲ درصد)، مرکزی (از ۶۸ درصد به ۴۲ درصد)، اصفهان (از ۶۰ درصد به ۴۰ درصد)، آذربایجان شرقی (از ۶۷ درصد به ۴۵ درصد)، گیلان (از ۷۷ درصد به ۵۰ درصد)، و کرمانشاه (از ۷۱ درصد به ۵۰ درصد) بود.

انتخابات مجلس هشتم، به این ترتیب انتخاباتی شد در سطح نیروهای همراه ولایت مطلقه فقیه، و رقابتی میان جریان های مختلف محافظه کار.

مطابق گزارش رسمی، ۴۳ میلیون و ۸۲۴ هزار نفر واجد شرکت در این انتخابات بودند که حدود ۲۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر (حدود ۵۱ درصد) در آن شرکت کردند.

استان تهران با حدود ۳۰ درصد کمترین مقدار مشارکت را نشان داد. پس از تهران، اصفهان، کردستان، یزد و قم کمترین میزان مشارکت را داشتند.

این درحالی بود که برای استان کهگیلویه و بویراحمد این میزان ۹۰ درصد اعلام شد.

حاصل رقابت نیروهای خودی نظام، مجلسی بود با ترکیبی کمابیش مشابه مجلس هفتم.

ورود برخی چهره های جدید به مجلس البته تغییراتی را موجب شد. علی لاریجانی از جمله این افراد بود که ریاست مجلس را هم از آن خود کرد. همزمان، بلند شدن و شدت گرفتن صدای انتقاد نمایندگانی چون علی مطهری علیه دولت محمود احمدی نژاد، از دیگر تحولات خبر ساز مجلس هشتم بود. او در کنار برخی نمایندگان منتقد احمدی نژاد و رئیس دفتر جنجالی او اسفندیار رحیم مشایی، مانند احمد توکلی، مرکز ثقل بلند شدن صداهای متفاوت از درون مجلس همسو با ولایت مطلقه فقیه شد. انتخابات مجلس هشتم، تلاش مجدد هسته مرکزی قدرت در جمهوری اسلامی برای یکدست سازی حداکثری ساختار سیاسی بود؛ اقدامی در چهارچوب یک انتخابات.

مطابق گزارش های رسمی، ۵۱ درصد در انتخابات مجلس هشتم شرکت کردند و استان تهران با حدود ۳۰ درصد در بین استان ها کمترین مقدار مشارکت را نشان داد.

این در حالی بود که به گونه ای غیرمترقبه، اختلاف نظر اکثریت مجلس با قوه مجریه روندی فزاینده را طی کرد. به شکلی که در دومین دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، چالش میان محافظه کاران مجلس با یاران احمدی نژاد در ریاست جمهوری خود شکافی جدید و جدی در ساختار سیاسی قدرت در جمهوری اسلامی ایجاد کرد.

انتخابات مجلس نهم؛ کدام رقابت؟

نهمین انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی، در شرایطی برگزار خواهد شد که بسیاری از نمایندگان دوره های پیشین مجلس، از احمد صدر حاج سید جواد تا مهدی کروبی، از ابراهیم یزدی تا محسن میردامادی، از

علی اکبر معین فر تا بهزاد نبوی، و از حسن یوسفی اشکوری تا مجید انصاری، جزو معترضان آن محسوب می شوند.

به طور کلی کمتر از سه ماه به برگزاری نهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، اکثریت قریب به اتفاق منتقدان حکومت و اصلاح طلبان، عدم شرکت خود را در این رقابت به تلویح و تصریح بیان کرده اند.

زندانی بودن بسیاری از چهره های برجسته سیاسی منتقد و مخالف حاکمیت و به ویژه میرحسین موسوی و مهدی کروبی رهبران جنبش سبز، اعمال نظارت استصوابی، بی اعتمادی کاندیداهای خارج حاکمیت به بی طرفی مجریان و ناظران انتخابات و تداوم فشارها و محدودیت ها بر روزنامه نگاران مستقل و مطبوعات و احزاب منتقد، از جمله مهمترین دلایل و عللی هستند که اصلاح طلبان و منتقدان، برای توضیح عدم شرکت خود در انتخابات به آنها اشاره کرده اند.

به این ترتیب، ظاهراً اولین رای گیری پس از انتخابات پرابهام ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۸، تنها با حضور جریان ها و طیف های مختلف جناح محافظه کار برگزار خواهد شد.

آیا این رقابت درون جناحی، مشارکت انتخاباتی مورد نیاز حاکمان ایران را برای مستحکم نشان دادن پایه های مشروعیت حکومت ایجاد خواهد کرد؟